

به نام نردان پاک

کرمان قدیم

فرهاد ابریشمی



خانه تاریخ و تصویر ابریشمی

www.ketab.ir

- سرشناسه :
 Abryshami, Farashad
 عنوان و نام پدیدآور :
 مشخصات نشر :
 مشخصات ظاهری :
 فروست :
 شابک :
 وضعیت فهرست نویسی :
 یادداشت :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 شناسه افزوده :
 رده بندی کنگره :
 رده بندی دیویی :
 شماره کتابشناسی ملی :
- فرشیاف ابریشمی، فرشاد، ۱۳۵۲ -
 کرمان قدیم / فرشاد ابریشمی؛ ترجمه انگلیسی رعنا خراعی.
 تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، ۱۳۹۵.
 ۱۶۰ ص.: مصور.
 مجموعه عکس‌های تاریخی ایران؛ ۸
 دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۶-۹۱-۲؛ ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۴-۶۳-۷
 فیبا
 فارسی - انگلیسی.
 کرمان (استان) - آثار تاریخی -- مصور
 Kerman (Iran: Province) -- Antiquities -- Pictorial works
 کرمان (استان) -- مصور
 Kerman (Iran: Province) -- Pictorial works
 خراعی، رعنا، ۱۳۵۹ -، مترجم
 DSR۲۰۴۷ / ۶۳-۴۳ ۱۳۹۵
 ۹۵۵/۷۲۰۴۳
 ۴۳۱۲۰۶۷

www.ketab.ir

مجموعه عکس های تاریخی ایران (۸)

کرمان قدیم

متن و تحقیق و طراحی: فرشاد ابریشمی

آرشیو تصاویر: جمعی از آرشیوداران

و مجید نیک پور

ترجمه انگلیسی: رعنا خزاعی

لیتوگرافی: فرآیند گویا

چاپ: معاصر

صفحاتی: گره

تسازشی: ابریشمی

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ اول

شابک دوره: ۲ - ۹۱ - ۹۶۹۶ - ۲۰۰۰ - ۹۷۸

شابک: ۷ - ۰۶۳ - ۳۵۴ - ۲۰۰۰ - ۹۷۸

مدیر تولید: محمدرضا ابریشمی

ناظر چاپ: علیرضا میرقادری



خانه تاریخ و تصویر ابریشمی

آدرس ناشر: انقلاب ۱۲ فروردین پاساژ فروردین ط اول

تلفن ۶۶۴۹۱۵۱۹ فکس ۶۶۹۶۹۵۱۶-۴۴۰۵۶۷۶۶

E-mail: info@abrishamifar.com

www.abrishamifar.com

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هیچ بخش از این کتاب بدون اجازه ی ناشر قابل تکثیر بصورت چاپ، فتوکپی و انتشار الکترونیکی نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

پیشگفتار

یزدان را سپاس که اینک پس از گذراندن نزدیک به یک دهه از تولید کتب تاریخ و تصویری از دوره‌ی قاجار تاکنون و چاپ بیش از سی عنوان کتاب تصویری از ایران قدیم و کسب تجارب مختلف و استقبال شما مردم تاریخ دوست و میهن پرست، حال در صدد برآمده ایم که یک سری تولیدات جدید، تحت عنوان **"مجموعه عکسهای تاریخی ایران"** را به چاپ برسانیم.

این مجموعه از **ایران قدیم** شروع و تا چهارده جلد برنامه ریزی شده است که جلد هشتم به استان هشتم ایران اختصاص یافت. ایده اولیه این کتاب طی سفر کرمان در سال ۱۳۸۸ شکل گرفت و آشنایی با استاد مجید نیک پور، طرح ابتدایی کتاب را پیش برد ولی بروز برخی مشکلات، چاپ کتاب را به تاخیر انداخت. کرمان قدیم در سال ۱۳۹۰ با همت آقای نیک پور و همکاری مرکز کرمان شناسی با کیفیتی زیبا به چاپ رسید و تقدیم دوستان تاریخ و تصویر کرمان گشت. این کتاب هم با همکاری و مساعدت ایشان و تصاویری از شادروان ملک عراقی، شادروان ثمودی، آقایان وکیل زاده، ایلایاتی کاشانی، تهامی، جدیدالاسلام در راستای تولیدات استانی قرار گرفت تا صرفاً مجموعه کتب **عکس های تاریخی ایران** تکمیل گردد و در اختیار علاقه مندان تاریخ و فرهنگ کهن کرمان قرار گیرد.

انتشارات خانه تاریخ و تصویر ابریشمی مفتخر است که با کسب **مقام نخست** در حوزه ی تاریخ در دهه ی هشتاد (بر اساس **آمار خانه ی کتاب - مجله ی تاریخ و جغرافیا شماره ۱۷۱ بهمن ۹۱**) در میان همکاران گرامی، پیشرو و مصمم آمده تولید مجموعه کتب تصویری از دیگر استان ها می باشد و تنها تقاضای این واحد نشر، حمایت مردمی و خرید این کتاب و توصیه به دوستان است که بتوان به جای سررسید یکسال مصرف، این کتاب را بعنوان هدیه و عیدی در اختیار دوستان، کارمندان و کارگران محترم قرار داد.

در این کتاب سعی نمودم تا با تلفیق عکس های قدیمی با تصاویر رنگی امروزی، نسل جدید را با آثار و بناهای مختلف تاریخی آشنا سازم و برای شناسایی زمان و مکان تصاویر، استاد گرانقدر جناب آقای دکتر نعمت احمدی بسیار همت گماردند و با مقدمه زیبای خویش، با کتب اعتبار دادند. بسیار سپاسگزارم از اساتید گرامی آقایان احمد مسجد جامعی، دکتر غلامحسین تکمیل همایون، دکتر مهرشاد کاظمی، دکتر فیاض زاهد، دکتر محمود جعفری دهقی، روزبه جدید الاسلام، بنیاد موقوفه افشار، لیتوگرافی فرآیندگویا، چاپخانه معاصر و دیگر عزیزانی که با تشویق و راهنمایی خویش، باعث بهبود و پیشرفت کتاب شدند. نگارش این مقدمه، همزمان شد با درگذشت بزرگمرد فوتبال ایران، منصورخان پورحیدری، پدر تیم استقلال و با احترام بسیار این کتاب را به روح بزرگ ایشان، تقدیم میدارم و امیدوارم خداوند متعال ایشان و درگذشتگان این مرز و بوم را قرین رحمت خویش نماید و به پدران و مادران ایران

عکس یکی از منابع معتبر تاریخی است که از زمان اختراع دوربین عکاسی توانسته با ثبت لحظات از وقایع و اماکن و چهره اشخاص جایگاه خود را در منابع و متون تاریخی تثبیت کند، ایران از این اقبال برخوردار بود. دوربین عکاسی که در زمانه ناصرالدین اختراع شده بود به علت ذوق و علاقه این شاه به تصویرگری، وارد ایران شود و می توان از ناصرالدین شاه به عنوان نخستین عکاس ایرانی یاد کرد. عکس های ناصرالدین شاه مهم ترین سند بررسی رفتار درباریان و نیز بهترین سند از به گفته شاه - عمله دربار - می باشد. طرفه اینکه قبل از تکامل دوربین عکاسی و نصب آن در تلفن همراه و امکان به اصطلاح سلفی گرفتن عکس، ناصرالدین شاه با نشان دادن افراد خصوصاً اعضاء خانواده اش جلوی آئینه بزرگ تالار آینه کاخ گلستان، شاید وان گفت نخستین عکس سلفی را در تاریخ به نام خود ثبت کرد.

دوربین اما با تأخیر به ایالات و ولایات رسید، کرمان در گذر تاریخ هم به زودی از این موهبت برخوردار شد که در زمینه های مختلف عکسهائی به یادگار از این استان پهناور در تاریخ ثبت و ضبط شده داشته باشد عکسهائی پراکنده که همگی والا ئی می طلبد و می طلبد از اوراق گرد گرفته تاریخ، این عکسها استخراج و با توجه به پراکندگی آنها در مجموعه هائی جمع آوری شود، کرمان از بخت و اقبال برخوردار است که آقای مجید نیکپور که خود هنرمند است و هنرمندانه به عکس نگاه می کند تاکنون همت نموده و غبار ایام را از چهره عکسها زوده است، نخستین مجموعه عکسها به همت آقای نیکپور و سعی و سرمایه و کوشش مرکز کرمان شناسی تحت عنوان کرمان قدیم به زیور طبع آراسته شد و اینکه با یاری و یآوری آقای نیکپور، انتشارات خانه تاریخ و تصویر ایشمی چاپی جدید از عکسهائی که در گذشته و حال این سو و آن سود چاپ و نشر شده است.

مجموعه ای جدید جمع آورده است عکسها به قبل مشروطه و بعد از آن که مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت قاجار تکیه زده بود شروع می شود هر چند عکسهای مراسم به دایره حسن میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه قاجار قدمت عکسها را به اوائل سلطنت مظفرالدین شاه می رساند هر چند عکسهای مربوط به بزرگان و مسئولینی که در تهران و کرمان نقش آفرین بوده اند هم جزء مجموعه میباشد، اما عکسی که تاریخ آن به عصر ناصرالدین شاه رسیده و در کرمان گرفته شده باشد را در مجموعه ندیدم. وقتی ناصرالدین شاه به قتل رسید، عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاکم کرمان بود، کرمان در این روزگار در آتش شعله ور است حکام وقت نمی توانند نظم و نسق را در پی شورش شالبافان و حضور پر رنگ زنان کرمانی در این حرکت انقلابی به کرمان برگردانند. از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۲۴ که فرمان مشروطه صادر شد در کرمان ۶ نفر حکومت کردند تا نوبت به عبدالحسین میرزا فرمانفرما رسید. یعنی هر سال یک والی، کرمان

قبل از دیگر ایالات وارد عصر انقلابات شد و علت آن را باید در روشنگری طایفه شیخیه و تضاد آنها با روحانیون شهر دانست که همین مطلب باعث می شد مردم در بطن وقایع قرار گیرند.

عکسهای باقی مانده از حکام این دوره به همراه عکسهای بزرگان انقلابی کرمان مانند شیخ احمد روحی کرمانی، میرزا آقاخان کرمانی، میرزارضای کرمانی که آوازه آنان از مرزهای کشور فراسوتر رفته بود به همراه عکسهای باقی مانده از شورش شالبافان کرمانی قبل از انقلاب مشروطه، دقیق ترین اسناد را برای تحقیق پیش روی محقق قرار می دهد. چندین عکس مربوط به اجتماع مردم در جریان شورش قشالی بافان کرمان در مجموعه حاضر راهگشای تحقیق این ایام می باشد از منظر مردم شناسی صرف نظر از روایت تاریخی عکسها می توان به نوع پوشش این دوره و تفاوت آن بین مردم عادی و بزرگان این عصر خصوصاً الب حکام توجه نمود. عکسهای باقی مانده از جماعت زرتشتی کرمان و بزرگان این دین گویای هم سوئی و همراهی مردم کرمان با زرتشتیان می باشد. عکسهائی از سه گروه اجتماعی، عامه مردم که دارای مذهب تشیع می باشند.

طایفه شیخیه که به عبد الله شاه ناصرالدین شاه به این طایفه دوره پراهمیتی در تاریخ کرمان را به خود اختصاص داده اند و مهم تر از آن بزرگان زرتشتی کرمان که از لابلائی تصاویر باقی مانده اهمیت و قدرت دین زرتشتی در کرمان این عهد را به تصویر کشیده است. چند عکس از حضور پلیس جنوب در کرمان نفوذ انگلیسی ها را می رساند که با داشتن کمر گری در جنوب شرقی ایران به حفاظت از دروازه هند یعنی کرمان اهمیت این منطقه را می رساند.

گفتیم که ایران جزء نخستین کشورهائی بود که اهمیت عکاسی پی برده، درک این اهمیت برمی گردد به ذوق ناصرالدین شاه قاجار و علاقه اش به عکاسی، جای از عکاسی از چهره ها که می تواند به یکی از منابع تحقیقی به آن نگاه کرد، تصاویر باقی مانده از حوادث تاریخی را می توان به عنوان منبع وقایع تاریخی مورد بررسی و تحقیق قرار داد، قبل از عکاسی و رونق این شهر ایران، اروپائینی که به ایران می آمدند بعضاً به همراه خود هنرمند نقاشی داشتند که از آثار باستانی مورد بازدید نقاشی می کشیدند. برای نمونه به سفرنامه مادام دیالافوآ می توان اشاره کرد که با تصاویر و نقاشی های زیبا چهره ایران دوره قاجار را پیش روی خواننده می گذارد. زیبایی تصاویر این کتاب خصوصاً در مورد آثاری که با تأسف ظرف این سالها تخریب و یا تغییر کرده است مورد اعجاب است. به باور من دوربین عکاسی شاهد بی طرفی است که توانسته از میان آگرد و غبار این سالها، تصویری گویا از شیوه زندگی را به بیننده نشان دهد، کتاب حاضر با شیوه ای استادانه تصاویر باقی مانده را با زیرنویس مناسب پیش روی بیننده قرار می دهد.

می دانیم که کرمان در دوره قاجار به لحاظ اینکه دروازه هندوستان به شمار می آمد مورد توجه دولت انگلیس بوده است. حضور پلیس جنوب در کرمان و عکسهائی از این نیرو در کتاب حاضر مؤید اهمیت کرمان از منظر دولت انگلیس می باشد. یکی از ساختمانهای معروف کرمان در این دوره، عمارت کنسولگری انگلیس می باشد. نخستین عکس مربوط به کنسولگری انگلیس برمی گردد به سال ۱۲۸۱ یعنی ۴ سال قبل از انقلاب مشروطه، عکاس از دریچه دوربین به خوبی توانسته معماری مدرن ساختمان کنسولگری را در کنار معماری خشت و گلی و سستی کرمان به تصویر بکشد با نگاهی به عکس های کنسولگری نوع نگرش دولت انگلیس از باب حفظ امنیت ساختمان را می توان با شیوه معماری خاص به کار گرفته شده که حصار مستحکم را دور کنسولگری احداث کرده اند به عینه دید افسران انگلیسی سوار بر اسب با لباس فرم نظامی و نوع اسلحه ای که در دست دارند ضعف دولت قاجار و حضور قدرتمند دولت انگلیس را می رساند. کرمان به عنوان دروازه زمینی ورود به هندوستان در ایامه استعمار شبه قاره هند به وسیله انگلیس از اهمیت سزائی بر طرف دولت انگلیس برخوردار بوده است.

دوره پهلوی زمانه تخریب آثار کهن بهر هاست، خصوصاً آثاری که رنگ و روی قاجاری دارد کرمان در دوره قاجار مورد توجه دولت مرکزی بود و به همین اعتبار خاندان ابراهیم خان ظهیرالدوله که با دربار قرابت نسبی و سببی داشتند اداره این شهر را بر عهده داشتند. ابراهیم خان جد اعلای خاندان ابراهیمی هم شوهر مادر فتح علی شاه قاجار بود و هم پسران و داماد وی داماد و عروس شاه قاجار بودند، جدای از این وصلت ظهور حاج محمد کریم خان کرمانی فرزند ارشد ابراهیم خان و مؤسس جریان فکری شیخیه کرمان، این شهر را در مرکز تغییرات سیاسی، مذهبی و اداری بود عکسهای مربوط از این حوادث می تواند به کمک محققین این دوره بیاید قبل از مشروطه در کرمان یک حرکت مردمی تحت عنوان شورش قالی بافان و شالبافان باعث روشنگری مردم کرمان شد.

نگاهی به عکس های این دوره عمق مردمی این حرکت را می رساند یکی از عکس های قابل توجه در این کتاب برمی گردد به مراسم ختم مرحوم احمد یزدان پناه معروف به دیلمقانی که در حومه شهرستان زرنده، شهر محل تولد نگارنده به قتل رسید، در ایام کودکی وقتی با مرحوم پدرم از این محل عبور می کردیم با آب و تاب از حضور مرحوم دیلمقانی در زرنده و مخالفت ملاکین قدیمی با حضور فعالانه مرحوم دیلمقانی یاد می کرد که با تیراندازی افراد ناشناس که تا هم اکنون شناخته نشده اند، به قتل رسید. از خاطرات این دوره نقل قول پدرم است از یکی از افرادی که متهم به قتل مرحوم دیلمقانی شده بود، از فرد طرف اتهام پرسیده بودند دیلمقانی را شما به قتل رساندید پاسخ داده بود، بله، من او را کشتم.

وقتی از وی پرسیده شده بود با چه اسلحه ای او را کشتی و اسلحه کجاست؟ با خونسردی جواب داده بود: "او را با ختم امن یجیب کشتم ..."

تصویری از جنازه مرحوم احمد دیلمقانی در گوشه عکسی از مراسم ختم وی که به سال ۱۳۲۳ در حومه زرنند کرمان به قتل رسید یادآور خاطرات گذشته نگارنده می باشد.

انتخاب عکس ها با وسواس تاریخی صورت گرفته است، برج و باروی شهر و دروازه ها که متأسفانه در دوره پهلوی همه این بناها به بهانه گسترش شهرها تخریب شد والا اگر این بناها موجود بودند بیشترین بازدید کننده را امروز روز به سوی خود جلب و جذب می کردند.

تصویر برج و باروی شهر، دروازه هائی که امروز تنها نامی از آنها باقیمانده اما در گذشته حافظ شهر از گزند شجارینی که همیشه مترصد آن بودند هرگاه ضعف حکومت مرکزی یا حاکم وقت اجازه داد به شهر حمله کنند، اما این دروازه ها مانع از غارت شهر می شدند تخریب برج و بارو و دروازه ها یکی از بدترین تصمیمات دوره پهلوی بود. در شهرهای بزرگ اروپائی که زمانی پای تخت یا مرکز ایالت بوده اند وجود همین دروازه ها و برج و اروهاست که سیل توریست وجهانگرد را به دیدن این اماکن می کشاند. دریغ و افسوس که گذشته تاریخی بهری مانند کرمان در گذر تاریخ را می توان تنها در عکس های باقی مانده از این دوره به تماشا نشست، تصویری مانده از دروازه ناصری از سال ۱۲۸۶ یعنی یکسال بعد از مشروطه همه خاطرات کودکی نگارنده را زنده می کند، دروازه ورود از شهر زرنند به کرمان، دروازه ناصری بوده است و ایامی که در کرمان زندگی می کردم محل سکونت حوالی دروازه ناصری بود و همیشه دنبال محل دروازه ناصری بودم که امروزه کجاست. دیدن تصویر باقی مانده از دروازه ناصری و زیرنویس آن که به پارک کودک فعلی تبدیل شده است، افسوس و غمی بی پایان را حس می کنم، دروازه گبری، دروازه مسجد و دروازه ارگ، نام هائی که باقی مانده اند اما آثاری از این دروازه ها جز عکس هائی که در این کتاب می توان دید یاد و خاطره ای باقی نمانده است.

به باور من با وجود عکس های نایاب و نادری که در این مجموعه جمع آوری شده است کاش رویه و روشی در چینش عکس در نظر گرفته یا تقسیم بندی موضوعی و مصداقی عملاً دوره تاریخی کرمان از اولین حضور دورین در شهر تا امروز را تورق می کردیم این تقسیم بندی می توانست دربخش هائی که به بزرگان کرمان مانند عکسهائی که از مرحوم شیخ یحیی احمدی - امیر اعظم - علاء الملک - نظام الدوله سردار نصرت، سردار اسعد - فرمانفرما و دیگر بزرگان که به صورت پراکنده در کتاب آمده است. با تکیه بر سمت ها و مشاغل در فصلی مجزا چینش می شد، بعضی از اسامی که عکس آنها در این مجموعه آمده است تاریخ کرمان را نمایندگی می کنند مانند عکسهای مربوط به روحانیون شیخیه کرمان از حاج محمد

خان تا ابوالقاسم خان ابراهیمی و طلائی که در عکس حضور دارند با زیرنویسی مختصر از نقش و جایگاه شیخیه در کرمان، جایگاه تجار و ملاکینی مانند - دیلمقانی - هرنی - ارباب کیخسرو - ارجمند در زندگی اجتماعی کرمان که باعث رونق تجارت خصوصاً فرش بافی شدند و همین باعث نام و آوازه فرش کرمان نه در ایران بلکه در جهان شد.

یک فصل از عکسها می تواند به زرتشتیان کرمان و نقش و جایگاه آنان در فرهنگ کرمان اختصاص یابد بزرگانی مانند ارباب کیخسرو و ارباب بهرام - گشتاسب و سروشیان جالب است. در یکی از عکسها که مربوط به علما می باشد عکسی متعلق به شیخ عبدالحسین حجتی - در کنار سید العراقین آیت اله شیخ الرئیس دیده می شود. اید در زیرنویس این عکس مختصری از شرح زندگی شیخ عبدالحسین حجتی نوشته شود. رد بنایی که تا جوانی در کیش زرتشتی بود و با قبول اسلام نام عبدالحسین را انتخاب کرد و با نام خانوادگی حجتی کرمانی شناخته می شود پدر بزرگان علی حجتی کرمانی و محمدجواد حجتی کرمانی، روحانیونی که مایه افتخار کرمان می باشند نمی شود از کرمان گفت و از کار ماندگار حاج علی اکبر صنعتی بنیانگذار پرورشگاه صنعتی کرمان یاد نکرد. علی اکبر صنعتی معروف به "حاج اکبر کر" که با بنیانگذاری پرورشگاه صنعتی کرمان دست نام و آوازه پرورشگاهش را با پرورش محصلینی مانند علی اکبر صنعتی مجسمه ساز و نقاش معروف جاوانا سازد. بعد از علی اکبر صنعتی پسرش عبدالحسین صنعتی و سپس همایون صنعتی این پرورشگاه را اداره کردند.

همایون صنعتی که بعد از انقلاب مدتی در زندان بود می گفت در زندان از معدود کتابهایی که در اختیارم بود کتابی مربوط به پرورش گل و نحوه گلاب گیری بود. متوجه شدم ارتفاعات لاله زار کرمان مناسب ترین محل برای کشت گل محمدی می باشند. این فکر را به هم فرس بعد از آزادی عملیاتی کرد و شرکت گلاب زهرا را بنیان گذاشت. مجموعه ای که با پرورش گل در منطقه و گلاب و عطریگری توانست زندگی مردم محلی را به شدت دگرگون کند و از منطقه ای محروم منطقه ای مرفه بسازد. چندین عکس از این مجموعه اختصاص به پرورشگاه صنعتی دارد کاش با زیرنویسی مرچنا که حداقل بیننده را به ماندگاری کاری که مرحوم "حاج اکبر کر" در کرمان در آن سالهای به اصطلاح کرمانی ها - تنگ و تنگ - انجام دادند، آشنا سازیم.

دکتر نعمت احمدی نسب

به نام نقشبند صفحه‌ی خاک

عذارافروز مهرویان افلاک

کتاب «**کرمان قدیم**»، مجموعه‌ای است مصور که از لایه لای عکس‌های آن می‌توان تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم، سیاست، تجارت، اقتصاد و ... صد سال اخیر این دیار را مشاهده نمود؛ دیاری که در نشیب و فرازهای متعدد، بارها تا مرز اضمحلال و نابودی پیش رفته، و هر بار ققنوس وار از میان لهیب آتش جنگ و فناء، تولدی دیگر یافته است. کرمان در صد سال اخیر - به رغم دوری از پایتخت - به دلیل موقعیت جغرافیایی، همواره یکی از مهم‌ترین ایالات ایران محسوب می‌گردید و در این مقطع - از اواسط دوره‌ی قاجاریه به بعد - به ویژه کانون بسیاری از حوادث و رویدادها بوده و از این رو توجه شاهان و بسیاری از سیاستمداران، سیاحان و جهانگردان و دول خارجی را به خود معطوف می‌داشت.

ورود عکاسی و اوج و رواج این صنعت در ایران را باید از زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار دانست؛ مگر عکس‌های وی به فرنگ در رشد و نمو این صنعت بی‌تأثیر نبود. گفته شده است وی علاقه‌ی زیادی به عکاسی داشت و بیشتر عکس‌های زنان حرم‌سرا را خودش می‌گرفت و در ذیل این عکس‌ها نیز به خط خود شاه آمده: «این عکس را را خودم انداختم».

در مرآت البلدان، در ذیل روایت ۱۲۸ قمری آمده: «یکی از صنایع جدیدی متعلق و منشعب از علوم طبیعی که در زمان سلطنت ساهنش رواج گرفته ترقی حاصل کرده، عکاسی است.» و حتی بر این اساس و از این زمان «عکاس‌باشی» رواج و اعطاء می‌شد.

ورود عکاسی به کرمان

در ذکر اولین عکاسان این دیار به نام «**میرزا محمدخان کرمانی**» برمی‌خوریم که نمونه‌ای از کارهای او، کپی عکس محمد اسمعیل خان وکیل الماکوری (حاکم کرمان) ذکر شده است. همچنین در ذیل تعدادی عکس‌های مربوط به کرمان، نام «**فضل‌الله حسینی**» آمده است.

اما «**میرزا حسین عکاس**» را می‌توان از مشهورترین و از اولین عکاسان این دیار برشمرد. هر چند وی کرمانی نبود، اما به واسطه ازدواج خواهرش با حاج محمد کریم خان ابریمی در این دیار رحل اقامت افکند. به احتمال زیاد، وی عکاسی را در سفری به بمبئی فراگرفت و پس از بازگشت به کرمان، رسماً به عکاسی پرداخت. وی دارای عمر زیادی بوده است و پس از فوت او پسر بزرگش به صورت جنبی کارش را ادامه داد. او را که ملقب به «**موسیو عکاس**» بود، می‌توان به عنوان دومین عکاس مطرح کرمان معرفی کرد. کار اصلی وی در آموزش و پرورش کرمان بود و نام خانوادگی صفوی را بر خود نهاده بود.

موسیو عکاس جهت آشنایی بیشتر با فن عکاسی، چندی را نیز در تهران گذراند و پس از بازگشت به کرمان، در کنار کار اصلی خود، به عکاسی نیز می‌پرداخت.

چون عکاس در کرمان نوپا و پدیده‌ی جدیدی به حساب می‌آمد، وی نیز به همین علت و خیلی زود مشهور گردید و حتی در مورد وی اشعار زیادی در اذهان مردم این شهر نقش بسته بود. شایان ذکر است، در همین زمان، عکاس‌خانه دیگری نیز در کرمان به نام «**عکاس‌خانه ابراهیمی**» بود که این عکاس‌خانه مخصوص، خاندان ابراهیمی بود. اما اوج و رواج عکاسی در کرمان توسط «**بهرام سهرابی**» انجام گرفت و وی موفق به تأسیس اولین عکاس‌خانه عمومی کرمان شد. بهرام سهرابی از زرتشتیان کرمان بود که دوران جوانی در سفر به هندوستان عکاسی را فرا گرفت و پس از بازگشت به کرمان، عکاس‌خانه‌ای دایر نمود (قریب سال‌های ۲۰-۱۳۱۹ شمسی) و تا پایان عمر به این امر اشتغال داشت. بیشتر عکس‌های قدیمی کرمان توسط همین شخص گرفته شده است. وی به طور معمول بر روی نگاتیو عکس‌ها (بیشتر عکس‌های دسته جمعی) نام خود را تاریخ گرفتن عکس را ذکر می‌کرد.

اما از دیگر حکامان عکاسی کرمان باید از «**مشکوه**» نام برد. هر چند پدر وی ساعت ساز بود اما وی به علت علاقه‌ی زیادی که به این فن داشت، به عکاسی روی آورد، و توانست عکاس‌خانه‌ای معتبر در کرمان برپا کند. شایان ذکر است اولین عکاسی که اقدام به گرفتن عکس فوری نمود، «**عکاس‌خانه گنجعلی‌خانی**» بود و همچنین از آن روی نیز به عنوان اولین عکاس زن کرمانی می‌توان یاد نمود. مرحوم «**گلشن**» نیز از اولین عکاسان کرمانی بود که عکاس‌خانه‌ای مجهز در این دیار تأسیس کرد. ذکر این نکته نیز ضروری است که عکس‌های زیاد و قابل توجهی نیز از کرمان موجود است که اغلب توسط عکاسان همراه حکام، سیاحان و جهانگردان، تجار خارجی، مسئولان نظامی و... که به این دیار آمده‌اند، گرفته شده است؛ از جمله مجموعه عکس‌هایی که توسط عبدالحسن میرزا فرمانفرما، سرپرسی سایکس یا کنسانتین ویکو و... گرفته شده است. اما مجموعه عکس‌هایی که باین وسیله تقدیم تمامی علاقه‌مندان، پژوهشگران و مردم نجیب کرمان می‌شود، ماحصل تلاشی چند ساله است که به رغم نابودی و از بین رفتن صدها قطعه عکس در زیرزمین‌های نمور، این مختصر، به همت بسیاری از خانواده‌های کرمانی، و از بین عکس‌های کتاب‌ها و مجموعه‌های دولتی و خصوصی جمع‌آوری گردیده است. و امید است بتواند علاوه بر آشنایی نسل جدید با تاریخ مصوّر صد ساله کرمان، کمکی در راستای تکمیل مقالات و پژوهش‌های محققین این دیار باشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های همیشگی استاد بزرگوارم، شادروان جناب آقای دکتر **باستانی پاریزی** و از مراحم ایشان در نگارش مقدمه‌ای بر این مجموعه، سپاسگزاری نموده، و همچنین از جناب آقای **فرشاد ابریشمی** که با علاقه و پیگیری‌های مستمر خود، موجبات انتشار این کتاب را فراهم آوردند، همچنین از کلیه خانواده‌هایی که با ارائه کپی عکس‌های خود بر غنای این مجموعه افزوده‌اند،

مجید نیک‌پور

تشکر و قدردانی نمایم.

عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران